در جدیدترین نظرسنجی رسمی مرکز تحقیقات صداوسیما معلوم شد ۲ سریال فعلی تلویزیون ۲۲.۵ و ۱۳.۴ درصد بیننده دارند، راه خروج از این وضعیت چیست

پیام‌های سریالی نظرسنجی‌ها

میلاد جلیل‌زاده
خبرنگار گروه فرهنگ

روز گذشته روابط‌عمومی رسانه ملی اعلام کرد مرکز تحقیقات سازمان صداوسیما گزارشی پیرامون وضعیت سریال‌های سیما از نگاه مخاطبان در نیمه‌دوم مردادماه تهیه کرده و براساس آن «بازبرس» با ۲۲٫۵ درصد بیننده در میان پاسخگویان این نظرسنجی، پرمخاطب‌ترین سریال سیما شده و توانسته رضایت ۸۳٫۹ درصدی تماشاگران را از آن خود کند. بازبرس سریالی با اثر حقوقی-قضایی به کارگردانی احمد معظمی، تهیه‌کنندگی محمدرضا شفیعی است که از شبکه اول سیما پخش می‌شود. پس از این سریال از میان سریال‌های درحال پخش تلویزیون، «عشق کوفی» با میزان بیننده ۱۳٫۴ و میزان رضایت ۸۱٫۸ درصدی در میان پاسخگویان این نظرسنجی جایگاه دوم را به‌دست آورده است. عشق کوفی راحسن آخوندپور کارگردانی کرده و از محصولات سازمان هنری رسانه‌ای اوج است.

در این نظرسنجی سریال‌های تکراری سیما هم مورد بررسی قرار گرفته‌اند که از میان آنها، گاندو با ۱۱٫۱ درصد مخاطب و با میزان رضایت ۹۳ درصدی، صدرنشین بوده است. این سریال درحال حاضر از شبکه آی‌فیلم پخش می‌شود. اعلام شده که جامعه آماری این نظرسنجی، افراد ۱۲ سال و بالاتر ساکن در تهران و ۳۰ استان کشور هستند اما تعداد مشارکت‌کنندگان در نظرسنجی اعلام‌نشده است.

مواجهه با چنین آماری چند نکته را به ذهن متبادر می‌کند؛ اول اینکه رتبه سوم بیننده‌ترین سریال تلویزیون متعلق به یک مجموعه تکراری است. این قضیه هم‌پی‌توانندشان دهند بعضی از ضعف‌ها در مدیریت تلویزیون باشد و هم مشخص کند که چه قابلیت‌هایی در ساختار این رسانه وجود دارد. به‌عبارتی جذب مخاطبان جدید نقطه‌ای است که تلویزیون اعتراف می‌کند در آن ضعف داشته و در مقابل استقبال خوب از یک سریال تکراری نشان می‌دهد که محصولات تلویزیون می‌توانند بازهمی طولانی مدت‌تری هم داشته باشند و سرمایه‌گذاری روی کیفیت‌های بالاتر را توجه به همین قضیه توجیه پیدا می‌کند. نکته بعدی مربوط به یکی از دو سریال غیرتکراری و نسبتا پرمخاطب تلویزیون است.»

عشق کوفی در فضای خارج از تلویزیون تهیه شده و نمی‌توان با منظر قرار دادن آن روندهای مدیریتی سیما در دوره جدید، تحلیل کرد. به‌عبارتی نمی‌شود شعار تحول را که قرار بود در دوره جدید، فضای رسانه ملی از آن متاثر شود تنها با تکیه‌گاه به آمار مخاطبان یک سریال که هم غیرتکراری است و ساخت آن به دوره متاخر برمی‌گردد و هم محصول خود تلویزیون است، تحلیل کرد. البته در این گزارش همچنین اشاره شده که میانگین میزان بیننده سریال‌های جدید شبکه یک سیما طی ۱۰ سال گذشته ۲۷٫۷ درصد بوده، بنابراین میزان بیننده سریال بازبرس از حد متوسط سریال‌های سیما در ۱۰ سال اخیر شبکه یک، کمتر است.

توجه به این نکته در میان همین اطلاعات بسیار محدودی که ارائه‌شده نشان می‌دهد برنامه تحول در رسیدن به اهدافش چندان موفق نبوده است. یک نکته دیگر که اتفاقا اهمیتی فراوان دارد، سهم بودن گزارشی است که روابط‌عمومی رسانه ملی به نقل از مرکز تحقیقات سازمان صداوسیما؛ انتشار داده است. تمام اطلاعاتی که در این خبر آمده، تقریبا همان چیزی است که در سطور بالا به آن اشاره شده و هیچ چیز اضافه‌تری در توضیح نیامده است.

«مرکز تحقیقات سازمان صداوسیما به‌عنوان منبع اصلی این پیمایش اطلاعاتی در این خصوص را تامین می‌دهد؛ مثلا معلوم نیست رتبه سوم در میان سریال‌های غیرتکراری به کدام مجموعه تعلق دارد و آمار آن چقدر است یا مشخص نیست رتبه دوم سریال‌های تکراری به کدام عنوان رسیده و چه درصدی کسب کرده است. درباره جامعه آماری هم هیچ چیز جز این گفته‌نشده که پاسخ‌دهندگان از میان افراد بالای ۱۲ سال در تهران و ۳۰ استان دیگر کشور بوده‌اند و حتی تعدادشان اعلام نشده و شیوه نظرسنجی هم معلوم نیست. صداوسیما بخواهد یا نخواهد باید از آن شیوه سنتی افکارسنجی برنامه‌های تلویزیونی فاصله بگیرد و بدون هراس نسبت به واکنش‌های بیرونی برای به تمام برنامه‌های تلویزیون آمارها را شفاف و بدون لکنت اعلام کند.

هرگونه مهندسی در ارائه آمار باعث می‌شود شائبه‌ها و گمانه‌زنی‌های سیستمی حول آمارها شکل بگیرد. مثلا ممکن است گفته شود این نوع از انتشار نتایج نظرسنجی بنابر اهداف یا مصالح خاص از جانب یکی از گروه‌های فعال و موثر در صداوسیما انتخاب شده و غایت اصلی این اعتراف سنگین سیمای ملی علیه خودش، میل یکی از گروه‌های فعال در این مجموعه برای سوق دادن ذهن‌ها به سمت یک نتیجه‌گیری خاص علیه گروهی دیگر است. آنهایی که با علم آمار سروکار دارند می‌دانند که شیوه تحلیل آمار و اعلام نتایج از خود نظرسنجی و جمع‌آوری داده‌ها سخت‌تر و پیچیده‌تر است. اطلاعات بسیار محدودی از یک نظرسنجی که ادعا می‌شود در کلانشهر تهران و ۳۰ استان دیگر جمع‌آوری شده بیرون آمده است. یعنی از یک نظرسنجی با این گستردگی همین قدر بیننده اطلاعات به بیرون درز داده نشده. جز باید چنین باشد؟ آنا نتایج آماری این نظرسنجی، ضعف صداوسیما در جذب مخاطب را نشان می‌دادند؟ بعید نیست چنین باشد اما اگر این طور است و آمارها اتفاقا این حد مایه تاسف هستند، اساسا جز باید همین بخش مختصر از آنها منتشر می‌شد؟ اگر افقط این بخش منتشر شده به‌آن دلیل کمی تولد برای این گزارش همچنین اشاره شده که میانگین میزان بیننده سریال‌های جدید شبکه یک سیما طی ۱۰ سال گذشته ۲۷٫۷ درصد بوده، بنابراین انتشار دستچین شده و محدود این گزارش اخیر، بلکه در رویه کلی صداوسیما دیده می‌شود.

پنهان کاری، راه فرار از واقعیت!

یکی از مشکلات عمده‌ای که در کشور ما وجود دارد، عدم دسترسی عمومی به آمارهای شفاف است. تقریبا می‌شود گفت دسترسی به آمار، راتبی است که بعضی افراد یا نهادهای خاص از آن بهره‌مند هستند. نظرسنجی‌ها هم چنین وضعی دارند و بخش عمده‌ای از داده‌های به‌دست‌آمده توسط نظرسنجی‌ها تنها در اختیار یک‌سری نهادهای خاص قرار دارد و ازجمله این نهادها سازمان صداوسیما است که در طول سال نظرسنجی‌های متعددی را در خصوص مسائل گوناگون انجام می‌دهد و به‌جز مواردی بسیار خاص و معدود، تقریبا هیچ‌گاه نتایج آن به اعلام عمومی نرسیده است. طبیعی است چنین شرایط مبهم و تیره‌ای در خصوص آمارهای مربوط به خود سازمان صداوسیما وضع بغرنج‌تری پیدا می‌کند. هر از چند گاهی کسی از گوشه‌ای سر بلند می‌کند و عددی درباره میزان تماشاگران یک برنامه، یک شبکه یا کل تلویزیون ارائه می‌دهد تا برای اثبات نکته‌ای به آن اشاره شود و البته ممکن است کس دیگری هم سر بلند کند و به تکذیب آن عدد بپردازد. جالب است که در اکثر موارد دو طرف دعوا از وابستگان به صداوسیما هستند؛ چه اینکه افراد خارج از این مجموعه اساسا دسترسی به چنین آمارها و نتایجی ندارند. موردی را می‌توان به یاد آورد که مدیر گروه اجتماعی شبکه ۳ به یکی از مجریان شبکه ۲ گفت برنامه‌ات فقط پنج درصد مخاطب داشت و مجری شبکه ۲ هم این آمار را تکذیب کرد. تلویزیون هیچ‌وقت آمارهایش را دقیق و کامل اعلام نکرده و از میان آنچه منتشر شده هم اشاره دقیقی به جامعه آماری و شیوه نظرسنجی وجود ندارد. نمی‌توان نتایج تمام این نظرسنجی‌ها را یکسره زیر سوال برد، اما این واضح است که ارائه ناقص و گزینشی نتایج هر پژوهشی، می‌تواند نتیجه‌گیری نهایی از آن را دگرگون کند. اینکه به‌صورت گزینشی گفته شود مخاطبان فلان برنامه پنج درصد هستند و باقی آمارهای مربوطه منتشر نشود یا اینکه تنها آمارهای مربوط به دو سریال تلویزیونی جدید و درحال پخش بیرون بیاید و از باقی اطلاعات آماری هیچ چیزی در داده نشود، یک تیرگی گمراه‌کننده در فضای نقد و تحلیل ایجاد می‌کند و می‌تواند کفت‌ای بسیار عدم انتشار آمار ناقص از انتشار آن بهتر باشد. اگر آمارها به‌نفع ما نیست، این به ما مجوز نمی‌دهد که در نوع انتشار آنها دست ببریم و به‌طور قطع شرط قدم اول برای اصلاح آنچه نمی‌پسندیم، کنار آمدن با واقعیت‌های آماری و مواجه شدن بی‌پرده و بی‌پیرایه با نتایج نظرسنجی‌ها و بالطبع نقدهایی است که با تکیه بر این نتایج ارائه می‌شوند.

سرگذشت نامه‌ای به شهید

شعرهایی در رثای رفاقت ناتمام

احسان زیورعالم
خبرنگار

گویم به خود افسانه‌ات یادآورم پیمانه‌ات
خواهم همه کام تو را، جویم می میخانه‌ات
بر جای کار روز خود، درمانده و حیران تو
پایم همه ایران بود، در پی به سوی دانه‌ات

این دو بیت مطلع شعری است که ۴۵ سال پیش در انتهای نامه‌ای نگاشته می‌شود و پس از ارسال، فراموش ذهن نگارنده می‌شود. ۴۵ سال زمان لازم بود تا صاحب شعر بار دیگر با ایبات خود روبه‌رو شود. مسیری که با داستانی نستا غم‌آلود همراه است. همچنین به همان ۴۵ سال پیش بازمی‌گردد که نگارنده نامه، راهی جزء نامه‌نگاری به رفیق شفیق دوران سربازی خود نداشته است. روزگاری که هنوز تلفن وسیله‌ای بود گرانقیمت و برای تماس با شهری دیگر، نیازمند مقاادیری دو ریالی و پنج ریالی بود و حضور در صف مخابرات. نامه‌ها با انبوهی از زبان‌های عاطفی، حلقه‌هایی بود میان مردم دهه پنجاه و شصت برای مستحکم کردن زنجیر روابط. نامه مدنظر ما با این جملات آغاز می‌شود: «پس از عرض سلام پیوسته، سلامتی آن وجود مبارک را از درگاه خداوند بزرگ خواهانم. امید است به سلامت بوده باشید و لحظه‌های خوشی را بگذرانید. اگر از حال اینجانب بخواهید، الحمدالله سلامتی برقرار است و ملالی نیست به جز دوری شما!!»

نگارنده نامه آن روزگار جوانی بود محصل که آینده خود را در لباس معلمی متصور بود. هرچند آینده برای او فراتر از معلمی بود. آینده‌ای که شاید برای پسرکی آمده از شهری کوچک پیش‌بینی‌پذیر نبود. دکتر سیدفضل‌الله میرقادری، امروز از اساتید شاخص ادبیات عرب در ایران و جهان است. شاید هنوز برای مردمان دهه شصتی هم‌خوانی دانش‌آموزان به مناسبت ورود آزادگان در خاطر حفظ شده باشد. سرود «خیل خدا»، شعری است که دکتر میرقادری درباره سرایشش می‌گوید: «شبی که ورود اولین گروه آزادگان به وطن از تلویزون پخش شد، در برابر تلویزیون و در حین تماشا این شعر را سرودم. «خیل خدا» اولین شعری است که به این مناسبت سروده و از تلویزیون پخش شد. سرود توسط دانش‌آموزان یک مدرسه راهنمایی در منطقه هفت آموزش‌وپرورش تهران اجرا شد و در همان سال شش بار از تلویزیون پخش شد و در سالگرد ورود آزادگان دو بار.»

اگرچه این روزها با جستجوی اینترنتی نمی‌توان به ویدئوی همخوانی دانش‌آموزان دست یافت؛ اما به نیست مطلع آن سرود را اینجا مرور کنیم:

خیل خدا آی لشکر منصور رحمان — آزاده راه خدای حق سبحان
رفته سفر بهر خدا از جان گذشته — رنجیر طغیان و جفا از تن گسسته

باری پس شاعر آن سال‌ها، حالا از شاعران شعر عرب در کشور شده است و اشعارش در محافل شعر کشورهای عرب‌زبان نیز خواننده می‌شود. با این حال برای او نامه ۴۵ سال پیش بیش از دیگر اشعارش اهمیت می‌یابد. همه چیز به زمانی بازمی‌گردد که نامه مدنظر بی‌پاسخ می‌ماند. نامه‌ای که برای دوستی از دوران خدمت نگاشته می‌شود: جواد تقی‌زاده بیرگانی.

میرقادری می‌گوید پس از آخرین نامه دیگر از جواد، دوست صمیمی دوران خدمتش خبری نمی‌رسد. با آغاز جنگ تحمیلی، میرقادری جوان پس از حضور در جبهه، تصمیم به تحصیل در شیراز می‌گیرد تا به کسوت معلمان درآید و جواد، پسری اهل دزفول، یاگیر خوزستان می‌شود. دکتر میرقادری می‌گوید در حد فاصل سال‌های ۵۸ تا ۶۰ نامه‌نگاری، روش ارتباطی میان او و جواد بوده است و هر بار در نامه‌هایش ایباتی به رسم ادب برای دوستش می‌نگاشته است؛ اما آخرین نامه برای همیشه بی‌جواب می‌ماند. با این حال وی می‌گوید هیچ‌وقت یاد جواد از خاطرش پاک نمی‌شود و حتی چند باری تصمیم داشته سفری به دزفول داشته باشد تا نشانی از دوست گمشده بیابد. با افزایش فناوری‌های دیجیتال، او که حالا از دانشجویی در شیراز به استاد شاخص دانشگاه شیراز بدل شده است، ابزار جستجوی دیجیتال را اقبالی می‌یابد برای یافتن دوستش. می‌گوید سال ۱۳۹۶ بود که تصمیم گرفتم نام جواد تقی‌زاده را در موتور جستجوی گوگل جستجو کنم و در همان اولین جستجو با عنوان شهید جواد تقی‌زاده روبه‌رو می‌شود، طبق اطلاعات ثبت شده در سایت بنیاد شهید، جواد در دوم خرداد ۱۳۶۰ در منطقه عملیاتی شوش به شهادت می‌رسد و حالا در گلزار شهدای شوشتر آرمیده است. دکتر میرقادری می‌گوید با خواندن خبر شهادت دوستم منقلب شدم. همان شب شعری بر من الهام شد و دست به قلم شدم. هرچند این بار شعر را به زبان عربی سرودم.»

«جوادُ بِبذلِ مُهجَتِه» یا «بخشنده‌ای با بذل جان» عنوان قصیده‌ای است که دکتر میرقادری برای دوست شهیدش می‌سراید با این مطلع:

بلیل رهبٍ و طیفِ غریبِ — و أنفتُ لوحِ اشتیاقی الرّطیبِ
طلقتُ بمسحِ غُبارِ الزّجاءِ — تأمّلتُ أغوارَ بحرِ البقاءِ

قصیده «جوادُ بِبذلِ مُهجَتِه» حالا در مجموعه شعر دکتر میرقادری با عنوان «أیاجلک فقط!» ثبت شده است؛ اما این پایان ماجرا نبود. دکتر میرقادری دست از جستجو برنمی‌دارد. با کمک یک دانشجوی دزفولی موفق می‌شود با خانواده دوست قدیمی خود ارتباط بگیرد. می‌گوید «محمدتقی، برادر شهید را به واسطه دانشجویان دزفولی یافتم و با هم چند پیامی ردوبدل کردیم، محمدتقی قرار است به‌زودی سفری به شیراز داشته باشد؛ اما پیش از دیدارش با دوست قدیمی شهید، این نامه قدیمی است که عیان می‌شود. برای مرز شاعر که هر لحظه می‌تواند بدل به بیت شود، معلوم نیست دیدار با یادگار دوست قدیمی با کدامین واژگان مرقوم خواهد شد. شاید چیزی باشد چون مقطع شعر یافت شده در نامه:

سید مگو این در سخن از هست یا تو این یقین
بر پا نماید عالمی آن مهدی آینده است

دکتر میرقادری می‌گوید چشم انتظار دیدار برادر دوست پرکشیده است. در گفت‌وگو دوستانه‌ام از شوقش می‌گوید و اینکه هنوز چند نامه دیگر را رویت نکرده است و دیدارش می‌تواند پس از ۴۵ سال، بدل به بازخوانی برهه‌ای از جوانیش شود، برهه‌ای که در همان تکنامه موجود نشان از آرزوها و آمال نسلی نازمفنس می‌دهد که یکی جهاد علم در پیش گرفت و دیگری جهاد جبهه، یکی حالا استادی است مبرز ایستاده بر تراب و دیگری شهیدی است منزه خفته به زیر تراب.

ادامه در صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

سقوط آزاد سریالی

«بازبرس» درحالی با ۲۲٫۵ درصد پربیننده‌ترین سریال این روزهای تلویزیون لقب گرفته که سه سال پیش، فصل دوم سریالی با ۲۶ درصد بیننده، به‌علت آنکه شکست خورده تلقی می‌شد، لغو شده بود.

مصطفی قاسمیان
خبرنگار

آمار بیننده سریال‌های این روزهای تلویزیون که صبح دیروز در خروجی سایت روابط عمومی سازمان صداوسیما قرار گرفت، بلافاصله بعد از نزدیک به پنج ماه چشم مردم ایران را به جمال آمار بینندگان سریال‌های تلویزیون روشن کرد. درحالی که به‌نظر می‌رسد انتشار نتایج این نظرسنجی، بخشی از اختلافات میان مدیران صداوسیما است، اما به هر حال مغتنم است و می‌توان با تکیه بر آن تحلیلی واقعی‌تر از میزان بیننده سریال‌های سیما به‌دست آورد.

جنگ با سلاح نظرسنجی

مرکز تحقیقات رسانه ملی پیش از این نیز دوبار در اختلافات علنی میان مدیران رسانه ملی، محل نزاع قرار گرفته بود و در هر دو مرتبه هم مدیران شبکه سه سیما یک‌طرف ماجرا بودند. مرداد ماه ۱۴۰۰ در نتایج یکی از نظرسنجی‌های منتشرشده از سریال‌های درحال پخش، نام «وضعیت زرد» درحالی آمد که سریال در آن زمان هنوز روی آنتن نرفته بود. کوروش کمره‌ای مشاور فعلی شبکه ۳ سیما در رشته تلویزیونی، روابط عمومی وقت سازمان صداوسیما (اما که در آن زمان محمدحسین رنجبران بود) به‌شدت تواخت و این ادعا کل را به دست بردن در نظرسنجی‌ها برای پایین آوردن جایگاه و اعتبار شبکه ۳ سیما متهم کرد! ماجرا البته در آن زمان جمع شد و طرفین لااقل در ظاهر به صلح رسیدند، اما وقایع آن روزها شباهت‌هایی به اتفاقات این روزها دارد! اگرچه ماجرای این نظرسنجی اخیر به‌قدری واضح و مستقیم به‌نظر می‌رسد که چندان جای حاشا ندارد. در شرایطی که دیگر کمتر کسی از اختلاف میان مدیران شبکه ۳ سیما و مدیران ارشد رسانه ملی بی‌خبر است، ناگهان نتایج یک نظرسنجی روی خط سایت روابط عمومی صداوسیما آمد که مطابق آن، آمار فقط دو سریال پربیننده؛ اخیر شبکه یک و شبکه ۳ منتشر شده بود و در این میدان رقابت، سریال شبکه یک را برنده معرفی می‌کرد. حال باید پرسید چرا در ماه‌های گذشته از سال ۱۴۰۲ آمار دیگر سریال‌های روی آنتن تلویزیون منتشر نشد و در این برهه زمانی که سریال شبکه یک از سریال شبکه ۳ پیش افتاده، آمارها در دسترس عموم قرار گرفت؟ همه اینها درحالی است که براساس شنیده‌های «فرهیختگان»، سریال «نیکان ساخته علی سرآهنگ» که امسال روی آنتن شبکه ۳ سیما رفت، حدود ۲۳ درصد (تقریبا مساوی با بازبرس) بیننده داشت، اما «سوان» شبکه یک با وجود همه ارزش‌های آن دارای آمار پایین‌تری بود که هیچ گاه به شکل رسمی به انتشار نرسید.

در انتظار آمار باقی سریال‌ها

آذرماه ۱۴۰۱ پیمان جبلی، رئیس رسانه ملی در گفت‌وگویی رسما اعلام کرد اعتقاد چندانی به نظرسنجی و انتشار آمارهای بیننده برنامه‌ها و سریال‌ها ندارد و این شیوه را به‌روز نشده نامید. اگرچه در همان زمان هم روند انتشار نتایج نظرسنجی‌های مرکز تحقیقات رسانه ملی کند و دارای ابهام شده بود، اما پس از آن دیگر تخم انتشار شفاف نتایج نظرسنجی را در سازمان صداوسیما ملخ خورد! از آن زمان تا دیروز فقط یک نظرسنجی در اسفند ماه ۱۴۰۱ و یکی در نوروز ۱۴۰۲ با اعلام آمار فقط دو سریال منتشر شد. بنابراین از ابتدای سال آمارسنجی مخاطب سریال‌های سیما نه‌برای «نون خ ۴»، «آتش و باد»، «بازبرس»، «عشق کوفی» و «بازپخش «گاندو ۲» منتشر شد و از آمار مربوط به چهار پنج سریال دیگر خبری نبوده است.

افتخار به سریال ۲۲ درصدی

در گزارش دیروز روابط عمومی سازمان صداوسیما، عبارتی آمده بود که اگرچه مدیران فعلی رسانه ملی را تحدی از کاهش مخاطب تلویزیون تبرئه می‌کرد، اما گویای روند سقوط جدی تلویزیون در کشورمان طی یک‌دهه اخیر است. بر این اساس درحالی که میانگین میزان بیننده سریال‌های جدید شبکه یک سیما طی ۱۰ سال اخیر ۲۷٫۷ درصد بوده، میانگین میزان بیننده سریال‌های سیما در سال ۱۴۰۱ رقم ۱۷٫۶ درصد را نشان می‌دهد. این تفاوت چشمگیر ۱۰ درصدی که دلیل بخشی از آن می‌تواند آمار پایین سریال‌های دوشبکه کم‌بیننده‌تر دوم‌وپنج باشد، نشان از کاهش سریع میزان مخاطب سریال‌های تلویزیون در سال‌های رشد سریع پلتفرم‌های خانگی است. چه اینکه همین حالا وقتی تلویزیون با انتشار آمار ۲۲٫۵ درصد برای پربیننده‌ترین سریال سیما به این اثر افتخار می‌کند، می‌توان دریافت شمار مخاطب سریال‌هایی که آمار بیننده آنها منتشر نمی‌شود، بسیار پایین‌تر است. فراموش نکنیم در آذرماه ۹۹ مجموعه تلویزیونی کمدی «صفر ۲۱» ساخته جواد رضویان و سیامک انصاری که برای چهار فصل طراحی شده بود، با ۲۶ درصد مخاطب بعد از پخش فصل اول کنسل شد، فصل دوم نرسید، اما امروز تلویزیون برای سریال ۲۲٫۵ درصدی فرش قرمز پهن می‌کند.

ابهام در وضعیت برنامه‌های ترکیبی

در شرایطی که آمار بیننده‌پرمخاطب‌ترین سریال‌های سیما که در سال‌های دهه ۹۰ به‌ندرت کمتر از ۲۵ درصد می‌آمد و گاه از مرز ۵۰ درصد نیز عبور می‌کرد به ۲۲٫۵ درصد رسیده است، این پرسش به‌وجودمی‌آید که «وضعیت برنامه‌های ترکیبی چگونه است؟» می‌دانید مدت‌هاست در بازه‌های زمانی طلایی (نوروز یا رمضان) تنها آمار چند برنامه شاخص تلویزیون از میان پربیننده‌ترین‌ها نظیر «معلی»، «محفل» و «زندگی پس از زندگی» منتشر می‌شود و دیگر از انتشار «فهرست ۱۰ برنامه پربیننده سیما» خبری نیست. در این شرایط که سریال‌ها با افت چشمگیر مواجه شده‌اند، برنامه‌های غیرنمایشی چه وضعیتی یافته‌اند؟ در همین روزهای جنجالی اخیر و پس از حواشی استعفای مجری «پاورقی»، «محافل رسانه‌ای شاهد» اعلام غیررسمی آمارهایی بود که نشان از کاهش جدی مخاطب برنامه‌های تلویزیون داشت. به‌طور مثال شنیده‌های «فرهیختگان»، حاکی از آن است که دریکی از نظرسنجی‌های اخیر در سال ۱۴۰۲، شبکه یک سیما تنها سه برنامه با بیش از چهار درصد مخاطب داشته و پربیننده‌ترین برنامه این شبکه که در سه نوبت صبح، ظهر و شب پخش می‌شد، به حدود ۱۰ درصد بیننده دست یافت! در این وضعیت سوال مهم آن است که پرچمداران تحول چه میزان مخاطب دارند؟ در میانه دعوای بازگشت رشیدپور به تلویزیون مشخص شد برنامه «سیدخندان» که از سوی پیمان جبلی رئیس رسانه ملی با عبارتی چون «خنده فاخر» تمجید شد، حدود پنج درصد مخاطب داشته است. دیگر محصولات مدیران تازه سازمان صداوسیما چون پاوفی، «واقعیه»، «صبحانه ایرانی»، «خوش نمک» و... از نظر میزان بیننده در چه شرایطی قرار دارند؟

دربارهٔ عبدالمجید ارفعی، از چهره‌های درخشان حوزه تمدنی ایران باستان

دوزانو در محضر استاد

عبدالمهدی مستکین
عضو کمیته فرهنگ و تمدن اسلام و ایران

میاسای ز آموختن یک زمان — زدانش میفکن دل اندر گمان
چو گویی که وام خرد توختم — همه هرچ بایستم آموختم
یکی نغزباری کند روزگار — که بنشاندت پیش آموزگار

آغازین این نوشتار را با ابیاتی نغز از حکیم فرخ روان ایران زمین فردوسی آراستم که به بندگی و شایستگی مهم‌ترین ویژگی رستنامه بزرگان حوزه دانش و علم‌اندوزی را پیش چشم می‌نهد. انسان‌های برمنش و دانش‌گستری که در حوزه علم‌اندوزی لحظه‌ای را به بیهودگی و بی‌مایگی سپری نمی‌کنند.

دانش طلب و بزرگی آموز — تا به نگرند روزت از روز

ره پای چنین نگرشی را در این برهه از دوران می‌توان در مقام و منزلت استادی فرهمند و برجاوند چون عبدالمجید ارفعی بازجست. استاد ارفعی دلداده ایران‌زمین است، فرنوز از ۶ سال درخشت و گل نوشته‌های تاریخ کهن ایران‌زمین با سرانگشتان عاشقی و مهرورزی به این آب و خاک چیستی و کیستی ملت تمدن‌ساز ایران را جستار کرده است. استاد عبدالمجید ارفعی متولد ۱۳۱۸، نخستین فارغ‌التحصیل ایرانی در رشته زبان‌های باستانی در موسسه شرقی دانشگاه شیکاگوی آمریکاست. وی محضر استادانی همچون ساموئل نواح کرایمر، ای. جی. گلب دانشگاه آموخته و اتیکان و مسلط به بیش از ۹۰ زبان، ۱۰ لئو اونیهایم، ریچارد هلک، ابراهیم پورداود و پرویز ناتل خانلری را درک کرده و بر زبان‌های «اکدی» و «ایلامی»، اشراف کامل دارد و از معدود صاحب‌نظرانی است که می‌تواند خط میخی ایلامی و اکدی را بخواند و ترجمه کند.

ویرایش و ترجمه منشور کوروش بزرگ، ویرایش و ترجمه کتیبه‌های باوری تخت‌جمشید و انتقال آن به ایران و تلاش برای استرداد کامل آنها به موزه ملی، ایجاد تالار کتیبه‌ها در موزه ملی ایران و قلعه باستان‌شناسی شوش، بنیان نهادن رشته زبان‌های باستانی در موزه ملی ایران، فرهنگستان هنر و مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی از خدمات ارزشمند این استاد فرزانه به فرهنگ و تمدن ایران‌زمین است. با الهام از سخن آغازین حکیم فردوسی برخی از ویژگی‌های استاد ارفعی را به کوتاهی و ژرفی برمی‌شمریم:

نیاسودن از آموختن و افروختن

نیک به یاد دارم که در دوران چیرگی اهریمن کرونا و در شرایطی که استاد و همسر گرانقدرش به این بیماری هولناک دچار آمده بودند، بزرگ‌ترین خاطره و دغدغه ذهنی استاد ادامه کاوش، مطالعه و ترجمه گل نوشته‌های تاریخ کهن ایران بود. از دید ایشان سرآغاز تاریخ تمدنی ایران‌زمین از دوران هخامنشیان نیست بلکه هزاره‌ها پیش‌تر از آن است که در گل نوشته‌های ایلامی ثبت و ضبط شده است. لذا غباروبی از این غفلت تاریخی و هویدا ساختن دیرینگی این تمدن بزرگ جهان بر دوش من سنگینی می‌کند و نگرانم که با مرگ و بدرود من به دیار خاموشان گستره وسیعی از تاریخ شگرف و شگفت این سرزمین سپند که به فزون از چند هزار سال پیش از میلاد بازمی‌گردد، به بوته نسیان و فراموشی سپرده شود. از سویی دیگر برخی جریانات هویت‌ستیز در غرب برآنند تا پیوستگی و همبستگی ملت‌های کهن و تمدن‌ساز جهان را چرا انقطاع و ازهم گسیختگی کنند تا از این رهگذر فرآیند یکپارچه‌سازی و تحمیل یک الگوی فرهنگی غالب را در جهان بنیاد نهند. به هر روی استاد ارفعی که اکنون قریب به ۸۴ سال از عمر پرارج خویش را سپری می‌کند و با میراث نامبارک اهریمن کرونا، ناگزیر آکسیژن بر دوش و با رنجی طاقت‌فرسا و بازمندی را که به قول شیخ اجل ممد حیات است و مفرح ذات، فرمی‌برد و برمی‌آرد؛ هر روز قزون از ۱۰ ساعت کار پژوهشی و مطالعاتی را به انجام می‌رساند. این ویژگی حقیقتا برای نسل استادان و دانشجویان این مرز و بوم الهام‌بخش است که آدمی برای دست یازیدن به زندگی بالنده و شکوفا، لحظه‌ای از آموختن نباید بیاساید.

دقت و وسواس علمی استاد

یکی از شاخص‌های بنیادین علم، درنگ و مداقه در گزاره‌هایی است که از رهگذر مطالعات و مکاشفات علمی فراز می‌آید؛ اهمیت این موضوع در پدیده‌های تاریخی و باستان‌شناسی بیش از پیش جلوه‌گر است. به بیان دیگر در مطالعات باستان‌شناسی آنچه که اصالت دارد و می‌توان بر بنیاد آن مقاله علمی یا کتابی مستدل به رشته تحریر در آورد، در پیوند با یافته‌های کاوشگران حوزه تاریخ باستان است. استاد ارفعی عمیقا به این موضوع اهتمام تام دارد که بدون سند و مدرک متقن باستان‌شناسی، گل نوشته و کتیبه‌های تاریخی نمی‌توان به‌صراحت در باب یک دوره تاریخی اظهارنظر کرد. استاد ارفعی همواره خود را سالک علم می‌داند و از بیان احساسی و غیرعلمی پیرامون دوره خاص تاریخی پروا دارد. نگارنده هر آینه که درخصوص دوره تاریخی ساسانیان با ایشان پرسشی به میان می‌آوردم به‌صراحت پاسخ می‌داد که من در این دوره تخصصی ندارم!

ادب و فروتنی استاد

این قولی است معروف در میان استادان و دانش‌پژوهان حوزه تاریخ و باستان‌شناسی که ادب و فروتنی اخلاقی و علمی استاد ارفعی بسیار الهام‌بخش است. او عاشقانه خوش می‌دارد هر آنچه آموخته؛ با دیگران به‌اشتراک بگذارد؛ هیچ بخل علمی در وجود سراسر مهر و محبت ایشان دیده نمی‌شود. اگر طالب علمی واقعی نزد او رود می‌کوشد با جان و دل او را بپرورد ولی دریغ که در این روزگاران پرشتاب و آسیب‌مسیر، دانش‌طلبان واقعی گویی به محاق رفته‌اند و یکی از رنج‌های استاد در این دوران سطحی بودن و گریزپا بودن دانشجویان است. لازمه ژرفای علمی داشتن درک محضر استادان و عالمان برجسته و بزرگ است این ویژگی را در تاریخ علم این سرزمین به‌خوبی می‌توان جستار کرد جایی که بزرگانی چون ابوریحان، ابن‌سینا، رکریا، خواجه‌نصیر، سهروردی و صدها دانشمند بزرگ با چه رنج و ادباری بار سفر می‌بستند و با اسب و استر از پارس تا شام از شام تا حجاز از حجاز تا بلخ و مرو و از ری تا جرجان و از بخارا تا همدان و از سمرقند تا سیاهان و از جندی‌شاپور تا مرو و بغداد و اندلس و مصر را با پای آبله‌گون می‌پیمودند تا لختی محضر فلان استاد بنام را درک کنند و دمش انفاس قدسی او را بر وجودشان به جشن بنشیند. به هر روی این ویژگی استاد ارفعی که از نسل طالبان علم واقعی است برای نسل جوان و علمی این سرزمین بسیار مغتنم است.

فرجام

باری در فرجام سخن هرچند که به قول شیخ اجل سعدی در این باب در معنی باز است وسلسله سخن دراز؛ به همین قدر اکتفا کردم. اما مژده خوبی که به تازگی از رهگذر مصوبه کمیته فرهنگ و تمدن اسلام و ایران شورای عالی انقلاب فرهنگی درخصوص بهره‌گیری از خرمن خجسته دانش استاد ارفعی به گوش رسید، مایه نازش و رامش اصحاب علم و تاریخ تمدن این سرزمین بشکوه گردید:

-بسترسازی کرسی تدریس استاد با محوریت و هماهنگی دانشگاه هنر استاد فرخچیان با توجه به شرایط جسمی و خدمات مورد نیاز استاد در محل زندگی ایشان

-استفاده و بهره‌گیری از کلاس‌های ضبط‌شده استاد ارفعی درحوزه آموزش زبان‌های کهن ایران (اکدی و ایلامی) که در دهه گذشته توسط فرهنگستان هنر صورت پذیرفت.

-عضویت پیوسته استاد در فرهنگستان هنر (کاری که سال‌های پیش باید محقق می‌شد)

-بسترسازی جهت بازگشت الواح گلی ایلامی و تخت‌جمشید از موسسه شرقی دانشگاه شیکاگو با محوریت و مدیریت استاد

-تهیه مستندی از زند